

گردشگری

آشنایی با جزایر  
ناشناخته خلیج فارس



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت‌گردی

جزایر ایران اغلب در جنوب و در خلیج فارس تجمع یافته‌اند، بجز آشوراده که تنها جزیره شمالی ایران در دریای خزر است و چند جزیره کوچک در دریاچه ارومیه، بقیه جزایر همگی در دریای جنوب ایران واقع شده‌اند. حدود ۳۰ جزیره در جنوب ایران قرار دارند که برخی مسکونی و بعضی نیز خالی از سکنه هستند. بعضی از این جزایر فارغ از مسکونی بودن یا نبودنشان، مقاصد مهمی برای گردشگری هستند اما برای نیز برای ورود نیاز به مجوز دارند چرا که محل استقرار تجهیزات نظامی هستند. در اینجا به معرفی جزایری می‌پردازیم که شاید کمتر اسامی شان به گوشتان خورده باشد و یا کمتر گردشگری به آنجا سفر کرده باشد.

جزیره سیری

این جزیره در قلب آب‌های خلیج فارس قرار دارد. این جزیره مرجانی به شکل دوزنقه بوده و هیچ پستی و بلندی ندارد و نسبتاً مسطح است. ارتفاع ترین نقطه این جزیره ۲۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و تنها ساکنانش کارکنان صنعت نفت و یگان‌های نظامی هستند. جالب است بدانید که این جزیره اسرار آمیز حتی یک نفر ساکن بومی ندارد. در جزیره تعداد قابل توجهی نخل خرما به طور پراکنده وجود دارد که محصول آن فقط مصرف محلی دارد. آب و هوای جزیره بسیار نامساعد بوده و منطقه پوشش گیاهی فقیری دارد، اما یک معدن خاک سرخ در جزیره سیری قرار دارد که نئین سرخ سیری است.

جزیره ابوموسی

ابوموسی جنوبی‌ترین جزیره ایرانی آب‌های خلیج فارس است که ۲۲۲ کیلومتر با بندرعباس فاصله دارد و نزدیکترین پهنه خشکی از خاک ایران به خط استوا محسوب می‌شود. این جزیره فاقد آب و اراضی مناسب کشاورزی است و بیشتر مردم بومی محل به صید ماهی اشتغال دارند. از آنجایی که این جزیره یکی از مراکز صدور نفت خام کشور است و همچنین مسیر ابوموسی - تنب یکی از عمیق‌ترین مسیرهای کشتیرانی است، این جزیره از جزایر استراتژیک ایران به‌شمار می‌رود.

جزیره لاوان

این جزیره از شمال شرق به بندر مقام و از جنوب به حوزه‌های نفتی رسالت، رشادت و سلمان محدود می‌شود. این جزیره به شیخ شعیب نیز معروف است و بیشتر ساکنان آن عرب هستند که بعضاً به فارسی نیز تکلم می‌کنند. شغل جذاب اهالی این جزیره، صید ممرارید است که بخش اعظمی از اقتصاد این جزیره نیز از طریق صید ممرارید تأمین می‌شود. یکی از شگفتی‌های این جزیره وجود کندوهای عسل در کنار تاسیسات نفتی است که عسل آن‌ها به رنگ سبز تیره است اما بومی نیست، بلکه این حال طعم آن مشابه عسل‌های معمولی است.

جزیره هندورابی

این جزیره که بهشت گردشگران در آب‌های خلیج فارس است در حدفاصل بین دو جزیره کیش و لاوان قرار گرفته است. هندورابی به علت داشتن ساحلی بکر اخیراً مورد توجه گردشگران بسیاری قرار گرفته است. از آنجایی که فاصله چندانی با کیش ندارد به راحتی و با خرید یک بلیط کشتی می‌توان به این ناشناخته بکر سفر کرد. در ابتدای ورود به جزیره، احتمالاً باور نمی‌کنید که کسی در این جزیره سکونت داشته باشد. اما از یاد بجهل‌نکنید، در این جزیره تاریخی حدود ۱۹۰ نفر سکونت دارند که بیشتر به زبان عربی صحبت می‌کنند. در اطراف روستای هندورابی، دو روستای تاریخی به نام الدورات و الصر قرار گرفته است که در حال حاضر بخش‌های زیادی از آن‌ها تخریب شده است اما روزگاری پایگاه نظامی پر تعالی‌ها بوده است. در بخش‌هایی از این جزیره عمق آب ۵ تا ۸ متر است ولی در سواحل شرقی آن عمق آب به ۱۸ متر هم می‌رسد که بهترین منطقه برای غوازی و لذت بردن از دنیای زیر آب با وجود ماهی‌های رنگارنگ و ستاره‌های دریایی است. همین جاذبه‌ها این روزها هندورابی را به یکی از مقاصد اصلی مسافران جنوب ایران تبدیل کرده است.



علیرضا بخش‌ی استوار

دیوید هاکنی، هنرمند مشهور بریتانیایی در کتاب «تاریخ تصویر» می‌گوید: «امروز دنیا پر از تصویر است، ولی بیشتر آنها خیلی به یادماندنی نیستند. هر چه بیشتر عکس می‌گیرید وقت کمتری صرف نگاه کردن به هر کدام از آنها می‌کنید. زمانی فقط چند تصویر وجود داشت، حالا سالانه میلیاردها تصویر تولید می‌شود. چه اتفاقی برای آنها می‌افتد؟ چطور دیده می‌شوند؟ چطور نگهداری می‌شوند؟ احتمالاً بیشتر آنها از دست خواهند رفت، تقریباً بلافاصله. بعضی از آدم‌ها چیزها را نگه می‌دارند و آنها هستند که باقی می‌مانند.»

نمایش آرت‌بوک‌ها و تصاویر کوروش ادیم با عنوان «آهستگی» که سعید مزینانی به عنوان مدیر هنری آن را در پروژه‌های ۰۰۹۸۲۱ برپا کرده است، دغدغه‌های نزدیک به همین گفته‌هایی را دارد که هاکنی درباره مراقبت و حفظ تصاویر بیان می‌کند.

تئاتر

درباره نمایش «صامت»

روایت‌هایی که کنش نمی‌شوند

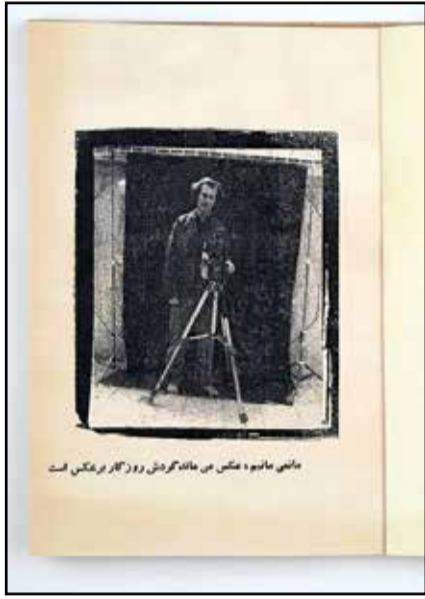


احسان زیاور عالم

در سال‌های اخیر، نمایش‌های ایرانی درگیر نوعی فرآیند تئاتری برای حذف کنش به نفع روایت شده‌اند. اگرچه این رویه با تازگی ندارد و می‌توان به راحتی ردپایش را در آثار آنتوان چخوف یافت؛ اما تمرکز کنش در یک دوره خاص می‌تواند حاوی اطلاعات قابل تأملی باشد. اینکه چطور در زمانه‌های بازنگ و بوی اعتراض نسبت به وضعیت اجتماعی و فردی، هنرمند تصمیم می‌گیرد کنش‌ها - که بازنمایی مستقیمی از وضعیت اجتماعی و فردی انسان ایرانی است - احذف کند و به جای آن روایت بگنجانند. البته روایت کردن بدون کنش در ایران سابقه تاریخی دارد. نقال‌ها راویان بی‌کنشی هستند که چیزی را در قالب مونولوگ بدون تعامل با مخاطب ارائه می‌دهند. آنها واسطه‌هایی هستند

نگاهی به نمایش آثار کوروش ادیم با عنوان «آهستگی»

عکس‌هایی که می‌مانند



همین عکس‌ها بر اساس شکل و الگوی خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند نوع مواجهه ما با آنها و تفاسیر و معانی که از آن به دست می‌آوریم، به نوعی از انتخاب‌گره خورده است.



تصاویر چاپ‌شده بر کاغذ یک تفاوت دیگر با تماشای تصاویر در فضای دیجیتال دارد. ما در فضای دیجیتال اگر چه به ظاهر انتخاب می‌کنیم که چه چیزهایی را ببینیم یا چه کسانی را دنبال کنیم، اما در نهایت با تعداد زیادی تصویر مواجه می‌شویم که نه دسته‌بندی مشخصی دارند و نه متناسب با الگوی مشخصی در کنار هم قرار گرفته‌اند. در حقیقت در فضای دیجیتال، ما بدون هیچ انتخابی فقط تصاویر را مصرف می‌کنیم. اما زمانی که

آشنا: یک خواهر قصد حفظ خانه دارد، یک خواهر قصد گریز از خانه و خواهر دیگر قصد سر نهادن به امیال نفسانی و هر سه در فقدان پدر از دست رفته، توان هیچ کنشی ندارند. اما برخلاف نمایش دهکردی با عنوان «صامت»، خواهران چخوف به خود بر حسب صامت بودن نمی‌زنند و البته تلاشی برای بی‌کنش کردن اثر نمی‌کنند. چخوف از تکنیک جذاب‌تری بهره می‌برد. او کنش‌ها را به بیرون صحنه سوق می‌دهد و حالا شخصیت‌های منفعل نمایش مجبورند، جایی که مامی بینیم دست به کنش بزنند و روی صحنه کنش رخ داده را روایت کنند، همانند صحنه سوختن مدرسه و اتفاقات پس از آن. این رویه موجب می‌شود که روایت واحد نوعی گره داستانی شود و آن خصلت‌های سه خواهر، حفظ، گریز و تن دادن به میل، به نوعی برای همه عیان شود.

در «صامت» به سیاق بسیاری از آثار ایرانی چنین نیست. کنشی خارج از چارچوب قابل‌روایت نمایش وجود ندارد. بلکه آن کنش توسط یک راوی روایت می‌شود. همانند پایان نمایش آنچه در سر سه خواهر می‌گذرد. ما عملاً هیچ چیزی نمی‌بینیم، ما گویی با یک ازمایش روبه‌رو مییم

در این کارگاه بزرگ که با حضور بیش از ۳۰۰ دانشجوی تئاتر برگزار می‌شد، کوهستانی با توصیف فرایند دیالوگ میان شخصیت‌ها و آدم‌ها در دنیای دراماتیک و واقعی، گفت «دیالوگ در تئاتر یا سینما الفاظی است که روی صحنه بیان می‌شود. در زندگی واقعی دیالوگ‌هایی است که بیان نمی‌شود ولی درک می‌شود که به شرایط بستگی دارد.» وی افزود: «برای فهم این درک نیاز به ارتباط دوسویه است، گوینده کلام و شنناخت او از مخاطب و سپس مخاطب و شناختش از شرایط... این وضعیت می‌تواند یا در بستر شخصی رخ دهد یا اجتماعی، دیالوگی که گفته نمی‌شود در بستر اجتماعی و سیاسی و متنی دریافت‌های متفاوتی دارد. باید بستر را برای این رویه در نمایشنامه فراهم کنید.»

در این کارگاه کارگردان «ایوانف» تلاش کرد به زبانی ساده نشان دهد چگونه ما در زندگی واقعی با گفتن‌ها به انتقال تمام آنچه مدنظرمان است، مبادرت می‌کنیم. از همین رو کوهستانی با بازخوانی نمایشنامه FarAway کارول چرچیل، نویسنده شاخص انگلیسی این روند را توضیح داد. او گفت «کارول چرچیل همانند جامب کات در سینما دیالوگ پرش ایجاد می‌کند. ابتدا دیالوگ را می‌نویسد و سپس پاک می‌کند.» کوهستانی افزود: «ناگفته آن چیزی است که در میان دیالوگ قرار می‌گیرد و مخاطب باید آن را درک کند. این دیالوگ‌هایی است که برای کارگردانی رها شده است. دیالوگ نویسی به نحو شعر است، قصدش بیان عصاره کلام است و فضای خالی بین کلمات را گروه اجرایی پر می‌کند.»

کار ادیم در خلق این تصاویر و آثار به نوعی در عنوان این نمایش هم پیداست. آنچه در آرت‌بوک‌ها و تصاویر قاب‌شده بر دیوار اهمیت دارد، طمأنینه برای تماشاست. برخلاف فضای دیجیتال یا آنچه ما از تصاویر در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم برای تماشای آثار این نمایش، سرعت معنا ندارد

می‌پردازد که در محیط وجود دارند. مثلاً عکسی که او از اشیا گرفته بسیار به تجربیات «لونی داگر». به خصوص تصاویر طبیعت بی‌جان او که در قرن نوزدهم و با داگر و تاپا گرفته شده است شباهت دارد. تصویری که روی سطح نقره منعکس می‌شد و در واقع متر یال در تماشای ماندگاری آن دخیل بود.

اما مسئله دیگری که می‌شود از پس آن به آن توجه کرد خود آرت‌بوک یا کتاب دست‌ساز هنرمند است. ما اساساً در کشورمان با آرت‌بوک‌ها چندان آشنایی نداریم. یعنی برای آن آرزوی همطراز با مثلاً آتری که قاب‌شده و بر دیوار قرار گرفته‌اند نیستیم. این که این نگرش از کجا می‌آید و چگونه می‌شود آن را تغییر داد خود نگارش مطلب دیگر را می‌طلبد اما نمایش نزدیک به ۳۰ آرت‌بوک در یک نمایشگاه نشان می‌دهد که هنرمند درباره این رسانه هم دغدغه‌هایی دارد.



که پیش از دیدن نمایش ما را از اجرا کردنش آگاه نکرده‌اند. مادر یک‌سردرگمی گرفتار می‌شویم که روی صحنه چه رخ می‌دهد. اگر قرار بود با نمایش صامتی روبه‌رو باشیم، پس چرا این چنین حرف است. تا جایی که خواهر ناشنوا، با وجود استفاده از زبان اشاره، به کمک صدای راوی تبدیل به صدا می‌شود. به نظر می‌رسد دیدن کنش زبان اشاره نوعی تضاد با مفهوم شنیدن - که کنشی نامرئی است - پدید می‌آورد؛ اما روایت کردن زبان اشاره نیز عملی می‌شود برای ذبح کنش. راوی آرام آرام تمامی نمایش را از آن خود می‌کند تا جایی که به جای همه شخصیت‌ها حرف می‌زند. گویی یک

چقدر در نمایشنامه‌ها چقدر از دیالوگ‌های به درد نخور برای انتقال داده استفاده می‌شود. کوهستانی در ادامه با بازخوانی نمایشنامه «۱۷ دی» خود نشان داد چگونه ناگفته‌ها با گفته‌ها تفاوت دارند. او با اشاره به متن خود از تکنیک پرسیدن‌های مکرر برای به حرکت درآوردن دیالوگ یاد کرد که در این پرسش‌ها همواره موضوع به تعویق می‌افتد. او گفت طبق این نوع نوشتار از روی کلام بافت شکل می‌گیرد که در آدم‌ها به هیچ عنوان به یکدیگر گوش نمی‌دهند.

در ادامه کوهستانی با پخش فیلم تئاتر «بی تابستان» از تجربه شخصی خود در نوشتن و کارگردانی «ناگفته‌ها» گفت. در پایان نیز جلسه پرسش و پاسخی درباره این تکنیک برگزار شد. کارگاه «ناگفته» امیررضا کوهستانی به همت انجمن علمی ادبیات نمایشی دانشگاه هنر، جشنواره دیالوگ، مدیریست هنرهای نمایشی سازمان فرهنگی هنری شهرداری و فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

امیررضا کوهستانی از ناگفته‌ها گفت

ساده نشان دهد چگونه ما در زندگی واقعی با گفتن‌ها به انتقال تمام آنچه مدنظرمان است، مبادرت می‌کنیم. از همین رو کوهستانی با بازخوانی نمایشنامه FarAway کارول چرچیل، نویسنده شاخص انگلیسی این روند را توضیح داد. او گفت «کارول چرچیل همانند جامب کات در سینما دیالوگ پرش ایجاد می‌کند. ابتدا دیالوگ را می‌نویسد و سپس پاک می‌کند.» کوهستانی افزود: «ناگفته آن چیزی است که در میان دیالوگ قرار می‌گیرد و مخاطب باید آن را درک کند. این دیالوگ‌هایی است که برای کارگردانی رها شده است. دیالوگ نویسی به نحو شعر است، قصدش بیان عصاره کلام است و فضای خالی بین کلمات را گروه اجرایی پر می‌کند.»



«ناگفته»، عنوان کارگاهی است که امیررضا کوهستانی با هدف ارتقای آموزش دانشجویان تئاتر، یکشنبه گذشته در تالار اندیشه شهرداری تهران برگزار کرد. در معرفی این کارگاه آمده بود: «همیشه به نظر می‌رسد برای ارتباط میان دو شخصیت باید گفته‌های شکل بگیرد؛ اما می‌شود دنیایی در نظر گرفت که در آن بین دو شخصیت گفتگویی دوبدل نمی‌شود؛ در عین حال آنچه میان دو نفر شکل می‌گیرد در فهمیده می‌شود. هم‌زمان با این شخصیت‌ها هم‌زمان سوی تماشاگران. در این کارگاه قرار است در بایم چگونه این ناگفته‌ها را بنویسیم.»